

ارزیابی رازداری در طرح مختلف جامعه

اولی در داخل جامعه مسلمین بین خود مسلمانانها و در دومی در حل اختلافات و ایالات کم کردن شکان و اختلاف و یا سکوت و کتمان حقایق برای مصلحت در حال دشمنان اسلام و در سومی نحوه برخورد و درگیری با حکومت‌های وقت.

اما مسأله اول - اگر در داخل جامعه مسلمین فردی، یا افرادی پیدا شوند که اندیشه اصل توحیدی و دستورات اسلام را در حسن رابطه با دیگر برادران خود و مراعات اصل اتحاد و هم‌بستگی را ندیده بگیرند و در اثر برخی از اغراض شخصی، کینه و عداوت برادر دینی خود در دل بگیرند و در پی فرست باشند که روزی نقطه ضعفی از او گرفته و از او انتقام بگیرند چه راهی می‌باید پیشنهاد کرده؟ و بچه طریقی اسلام، عداوت و کینه درونی را در این مورد از خاصیت می‌اندازد؟

ترددی نیست در اینکه اسلام دین همگاری و معاشرت در رفع حوائج زندگی مشترك مسلمانان است، جدأ خواستار انجام هدف‌های عالی و مرفعی انسانی و خدائی خود در تمام ابعاد جامعه می‌باشد. و نیز واضح است که این همگاری و تحقق هدف‌های انسانی وقتی بنحو کامل، عملی است که هر فردی بتواند آزادانه عقاید باطنی و نظرات بنیادی و اصلاحی خویش را اظهار کند و از سایر افراد جامعه که با او زندگی مشترك دارند هیچ گونه ترسی و لرزی و تقیّه نداشته باشد و اصولاً ترقی و تعالی جامعه توحیدی و نیک بقصد اسلامی در تمام سطوح جامعه، نزد هر صنف و طائفه‌ای دارای هر شغلی و مقامی باشد بر این اصل مهم استوار است و بدون مراعات چنین اصلی، توکل جامعه و استحکام توان آن بی‌مستی می‌گراید.

روزی این ملاحظه مسأله رازداری یعنی اندیشه‌ها و تمسبها و افکار تودلی خود را از دیگران مخفی کردن یا اصل لزوم مشارکت همه مردم در ساختن جامعه متحول اسلامی که مستلزم همگاری و هم‌رازی همه جانبه می‌باشد، در ابتداء امر چندان سازگار نیست. و لکن این ناسازگاری وقتی پیدا می‌شود که جامعه اسلام بنام معنا، جامعه اسلامی باشد یعنی همه افراد تربیت اسلامی صحیحی داشته و حتی افکار و باطن خود را تهلیل کرده باشند و به هدف‌های اصل آن آگاهی یافته، آنها را با جان و دل مورد عمل قرار دهند و اما چنین جامعه‌ای تاکنون عیب‌نا داشته و تربیت‌های

اصیل اسلامی تاکنون در سطح جامعه پیاده نشده است و لذا کینه‌ها و عداوت‌ها و دشمنی‌ها به پنهان‌های خیلی جزئی در میان مسلمانان نسبت بیکدیگر وجود دارد و تا سیستم تربیت اسلامی، روی محور اصلی خود قرار نگیرد و کارخانه آدم‌سازی اسلام بمعنای واقعی خود به تربیت افراد اصیل و مؤمن به هدف‌های اسلامی نیردازد (چنانکه قرن‌های متمادی این هرج-ومرج و عدم قیام بوظیفه تربیتی در طول تاریخ اسلام در تمام ممالک اسلامی وجود داشته و هنوز هم وجود دارد و لکن نسبت به آینده امیدواری‌های زیادی هست که وضع موجود بتدریج عوض شود) قانون رازداری اسلام با شرایط خاص خود نیز نفوذ خود باقی مانده است.

از اینرو باید گفت قانون (کتمان سر) يك دستور (حشی) است، نه يك دستور مطلق. و بر این حقیقت گفتارهای رهبران مذهبی، گواه گویائی است که ذکر آن خواهد آمد.

از مطالعه روایات و اخبار معتبر کثیری که در این باب وارد شده است واقعیت‌های باورزش دست اولی بدست می‌آید که مادر اینجا برخی از آنها طی اموری اشاره می‌کنیم:

۱- از دیدگاه اسلام، راز هر شخصی یعنی تمام اندیشه‌های درونی و افکار و نشئه‌های زندگی خاص خود که با منافع دیگران نصادم و برخورد می‌کند و چه بسا با افکار و هدف‌ها و شیوه‌های زندگی سایرین تضاد پیدا می‌کند بمنزله خوبی است که در گه‌گاه موسی-

می اندازد بخصوص اگر طرف انسان حکومت - های خودکامه و عمال ستمکار آنان باشد. و حفظ اسرار بیکارها و دشمنیها و اقدامات اصلاحی چه اندازه مهم و با ارزش می باشد بطوریکه کشف و آفتابی کردن آنها، زبانه های غیر قابل جبران بتلاشها و بیکارهای خدا هستند. انه «می زند».

و ثانیاً خون هر فردی مایهٔ سیاهی و زندگی آفرین است که در رگهای آن انسان جریان باید بطوری که اگر در اثر خراشی، خون از بدن خارج شد و بزمین ریخت دیگر خاصیت حیات آفرینی خویش را از دست می دهد.

راز درونی هر فردی نیز همین حکم را دارد، تا مادامی که در چهارچوبهٔ مفروضهٔ زندگی او است ارزش خود را دارد و می تواند مایهٔ زندگی سعادت بخشی برای او بشود و می تواند صاحب راز در موقع خود بهره برداری صحیحی از آن بشاید ولی اگر راز انسان بیرون افتاد و آفتابی شد، دیگر آن خاصیت حیات بخشی و سعادت آوری خود را از دست می دهد و به تعبیر امام علی (ع) «تباه و ضایع» (۲) می گردد چنانکه فرمود:

«کما کثر خزان الاسرار، زادت خباثاه»
«هر اندازه که تعداد خزانه داران اسرار و رازهای درونی زیادتر باشد (به همان اندازه) تباه و فساد آن (و بی خاصیت بودنش) بیشتر می گردد».

بلیه دارد

رگهای هر انسانی جریان دارد. چنانکه علی (ع) می فرماید: «سرك دمك ثلاث تجرینه الاثنی اوداجك» (۱)

«راز تو (بمنزلهٔ) خون تو است پس نباید آنرا جز در رگهای خود، جاری سازی»
مضمون این روایت بسیار لطیف و دارای نکات آموزنده ای است زیرا:

اولاً اهمیت حفظ راز درونی خود را نزد دیگران با جمله ای میرساند که برای هر کسی اهمیت آن واضح و عیان است زیرا کیت که نداند خون مایهٔ اصلی حیات هر موجودی است و زندگی، شدیداً وابسته به آن می باشد، در این صورت مسألهٔ بقاء حیات و عدم آن مطرح است نه مقدار حیات و کیفیت بقاء

و ثانیاً خون نتیجهٔ مواد غذایی و در-

حقیقت جوهره و شیرهٔ آنها است که در تمام رگها و موی رگها و شریانها، جریان دارد تا غذای آماده بتام اجزاء ریز و درشت بدن خواه در سطح بدن باشد و یا در عمق آن، خواه پیدا باشد و خواه ناپیدا، میرساند و به آنها حیات می بخشد و هم چنین راز دل هر انسان نتیجهٔ افکار و معلومات و مطالعات و تجربیات و خصوصیات زندگی خویش در طی سالیان متمادی و حاصل رنجها و مشقتات زیادی است و برای او نگاهداشتن آن، ارزش فوق العاده دارد بطوریکه فاش کردن آن چه بسا موجب ضررهای مادی و معنوی زیاد می گردد و چه بسا جان و مال خود و اعضای خانواده و رفقا و آشنایان و در برخی اموال، جان و مال برخی از همکاران و رفقای همفکر اسلامی خود را بخطر جدی

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲/۴

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲/۳۱